

# کوهستان

## ایران باید قبله عموم آزاد یخو اهان آسیا گردد

## پیام جناب آقای نخست وزیر بعلمت ایران از رادیو تهران ساعت ۹ (۴۱) روز شنبه ۸ تیر ماه

پارو دیگر آقای قوام السلطنه، منویات اصلاح طلبانه خود را از رادیو تهران بسمع جهانیان رسانیده، با بیانی صریح و دلالت دولت های گذشته و غلطی های در پی سابقه گان تحمیلی وصال و عناصر ارتجاعی را تذکر داده و با اشاره به اقداماتی که در چند ماه زمامداری خود بعمل آورده سیاست و روش خود را در آینده تشریح نموده.

قوام السلطنه گفت: «ایران باید کانون آزادی و مرکز انکار مترسی و شرق شده و قبله عموم آزادیخواهان آسیا گردد و بدین وسیله مقام تحمیلی خود را در جهان باز دیگر اعزاز نماید» آری ایران گذشته قبله آمال دنیا، و عظمت و اقتدارش انکشت نای جهان بود. امروز هم یگانه افتخار ما همان گدشتگان و یگانگان ماست که بانی تمدن جهانی بوده و با وجود اینکه قرن ها از زمان افتداز آنها میگذرد دنیای متدین امروزه در مقابل نام ایران باستان سر تنظیم فرود میآورد ولی حوادث دوزخدار و دست های نالایق یکی پس از دیگری کم کم آن ایران عظیم را و مملایش از آن باقیانده ای گذاشت که ایران کنونی با حدود و سنکته و وضع فلاکت بار فلسی است.

تاز و انوس بیشتر در این است که در حین این همه گرفتاری و بدبختی که همه ای حاضر بندا کاری شده و می خواهند برای بزرگ کردن و بسرومند نمودن ایران جان فدا کنند باقیانده همان آبادی کثیف و ویران کننده ایران به انواع جیل متشبث شده تا شاید این شاهانه های جوان را که بر ریشه این درخت کهنسال جوانه زده محرو و نابود سازند.

یکی از این شاهانه های جوان که اگر تحت مراقبت باغبان کارمندی قرار گیرد میتواند بهترین و گرانبها ترین ثمری برای ایران بار آورد کردستان نام دارد.

ما اگرچه بارها در همین روزنامه کوهستان مطالب اساسی راجع به کرد و کردستان نگاشته ایم ولی بنیاب نیست اظهار صریح رئیس محترم دولت کمی خواهد بود ایران به عموم آزادیخواهان شرق خود یاد آوری مختصری را ضروری میدانیم.

ملت کرد که با پرانی بودن خود ایران و اعتراف دارد و آنرا مایه فخر و مباهات خود میدانند با وجود اینکه امروز بظاهر مملای شده و هر مست آن

تحت اقتدار حکومتی قرار گرفته مملای بیوستگی خود را با قانون اصلی قطع نموده و آنرا همیشه یگانه پناه خود می دانند و با وجود اینکه مدتها در زیر بار فشار ملل غیر ایرانی بسر برده و در ناپودی آن کوشش های فراوان بعمل شده و قتل عامها دیده مملای باقیانده اقتدار و مصائب تسلیم نشده نام کرد را از دست ندادند با حفظ نام و خون کرد و بیوستگی تاریخی در ایران بودن خود کوچکترین غالی وارو نساخته است.

امروز قسمت عمده ای از این ایرانیان اصل در زیر بوغ ظلم و اشیداد ملل اجنبی بسر میرند دولت ایران وضعی کاردان و لایق آقای قوام السلطنه باید بداند که این اگراد با وجود تمام منوحتها و مضاطراتی که در رادارند با ایران توجه و دلاله کامل دارند.

با دقت و توجه مخصوص اوضاع کردستان ایران زامی نگرنه و میخوانند بدانند که مادر پیر ایران با فرزندان خود خود چگونه معامله میکند. اگر این مادر بتواند فرزندی را که در آغوش دارد خوب نگاهداری کند شک نیست که برادران دیگر نیز به دامن مادر متایل تر شده در با زود با آنها خواهند پیوست.

ولی همانطور که خود آقای نخست وزیر در قسمت دیگری از پیام خود متذکر شده اند عناصر کهنه پرست ماست نشسته و برای این که پارو دیگر آزادی و از ملت ایران طلب نموده و مسلط بر اوضاع شوند با انواع و اقسام مساکی و تحریکات دست زده و موفقیت خود را در ایجاد اختلاف میان آزادیخواهان میدانند.

اگرچه آقای نخست وزیر این حقیقت را یکسان درباره کلیه اقدامات اصلی متذکر شده اند ولی راجع به موضوع کردستان این عناصر کثیف به تحریکات کلی انگفا نکرده و حتی در مواقع بسیار حساس هم دست از خرابکاری برسی دارند.

متلا روزنامه ملی اطلاعات از دو هفته قبل شروع به نشر سلسله از این نود و بنا با اظهارات صحیح خبرنگار مخصوص خود که بکردستان فرستاده شده جدا مشغول است اذعان عمومی را مشغول نماید.

منعک این است این انتشارات تحریک آمیز موقتی در این روزنامه ملی و وطن پرست آغاز شده که حوادث اخیر

عسوطان عزیز بطوریکه استعمار دارند این جانب از بدو زمامداری پیوسته ساهی بودم که بانک بردم و انکار صومی موجبات اتحاد و اتفاق را میان دولت و ملت از حریت فراهم ناپرو برای همین منظور است که واجب می دانم گاهی بوسیله رادیو مستقیما به عموم افراد کشور تماس گرفته و آسان را از اوضاع و احوال مملکت و منویات خود متعطر سازم.

بر هیچک از هم وطنان عزیز پوشیده نیست که غفلت دولت های گذشته و غلطی های پر دبی نبایند گان تحمیلی و حال و عناصر ارتجاعی به مضاطرات عظیمی را از لحاظ سیاست خارجی و داخلی

برای ایران تهیه کرده بود و موفقیت این جانب بر حسب امر اعلی حضرت مایولی قبول مستو لیت نموده و زمام امور را در دست گرفته و ارت وضع اسباب و آشفته ای گردیدیم که شاید در تاریخ ایران کمتر نظیر داشته است.

باید اعتراف کنم که فقط علاقه این جانب بخدمت گندلوی استغفار با اعتماد و حسن ظنی بود که از طرف مردم طبقات کشور در موارد مختلف بحرانی پیوسته باین جانب ابراز میگردید و همین اطمینان سبب شد که با وصف اوضاع آشفته و باس آمیز پنجاه قبل بقیه در صفحه ۳

### تلگراف کردستان

روشنگران کردستان (شهرستان سنندج) از آقای نخست وزیر تقاضا دارند از مزایای موافقت نامه اخیر برخوردار گردند.



### جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر

در این موقع که دولت آن جناب با حل مسالمت آمیز مسئله ایالات شمال غرب، قدم برجسته در راه اجرای اصول دموکراسی برداشته و ملی رغم آرزوهای مخالفین آزادی با این اقدام شایسته محبوبیت و افتخارات خاصی بدست آورده اند مردم محروم و ولجیده کردستان منتدج نیز انتظار دارند مانند برادران شمالی خود از مزایای موافقت های اخیر که بی شک شهره تحولات دموکراتیک است بهره مند گردیده حقوق اجنبای خویش را بدست آورند ما امضا کنندگان که مانند بیش از یک کرور دیگر از سنکته این خطه فکرمیکشیم ضمن تبریکات حسن نیت آن جناب امیدواریم مراتب آزادیخواهی و تقدیر شخص آقای نخست وزیر در نامین آرزوهای مشروح ما اثر بر انتقاری باقی گذارد.

### اعضای پیش از ۹۰ نفر از روشنگران کردستان

مذاکرات راجع بکردستان در محیط بسیار صمیمانه ای آغاز شده و شخص جناب آقای قوام السلطنه با دقت کامل متوجه حقایق گردیده: دهه ای که بر روی اوضاع کردستان کشیده شده بود تا بصورتی (اطلاعات پسند) در آید برداشته شده است.

عموم آزادیخواهان کرد با اعتماد بشخص آقای نخست وزیر انتظار دارند که موافقت ها و اصلاحات کردستان بر پایه چنان مسکمی استوار شود که پیشقدم ترین مدافعین دولت آزادیخواه آقای قوام السلطنه اگراد بوده و دست های گره کرده آن ها باشد که متر مخالفین و محرکین را متلاشی سازد

کردستان پایان یافته و آرامش کامل برقرار است روزنامه اطلاعات در لباس تحریف و تلباق ببولت از اظهارات زاننده نسبت با گراه خودداری نکرده و با این حال میخواند در این موقع حساس نه هر حزب دمکرات کردستان بنا به عهت دولت بطهران آمده و مذاکرات راجع بکردستان جریان دارد ایجاد سوء تفاهم کند ولی همانطور که آقای نخست وزیر گفته اند «باید عناصر کهنه پرست برای همیشه این نکته را درک نمایند که بایداری ملل و افکار شرقی که در سر تاسر جهان رواج یافته چهره ساعت زمانه دیگر رو بقیب نخواهد رفت» و ملی رغم کلیه آرزوهای بدخواهان



### دنيا بکجا ميرود؟

تاریخ سیاسی جهان از ابتدای تشکیل خود دور محیط اجتماعی در ضمن اینکه حقوق و اصول آزادی را در سراسر جهان و برای همه ملت‌های گیتی خواستار بوده است ضامنی برای اجرای واقعی آن جز توطئه سریزه نباشد است.

هر روز چنگیز و هرفاتخ دلیری که شریعت قطعی بر اساس استقلال و آزادی ملت گیتی زده است جز این توفعی نداشته و با ریختن خون و لدا ساختن جهان میلیون ها بشر و معز شریعت و تمدن به گفته و قول خود «خواستی» جز این نداشته که عاقبت خود سری را نا بود و راه بازگشت آنرا بیرونی اهریست. استبداد برای همیشه و همه وقت و در همه جا به بند.

اینچنین موشی و نا بلتون و چنگیز و سایر کارگردانان تاریخی چنگ قطعا و بیگمان جز این سعتی نمی گفته و دول امپریالیزم نیز که پس از تعلق بر فاشیسم اکنون پیکار در میان جراحات خود مشغول بوده و به تعدیه و اصلاح حیات سیاسی و اجتماعی خود بنا بر اصول دموکراسی (زمان صلح) دست زده اند همین فرمول را بازگو میکنند ولی باید فهمید که سرانجام دنیا با مایوتها بیشتر تمدن بکدام سوی رهسپار است؟ و در این امواج سرکش و نیرومندی که عسواره شریعت را به پیش می راند ما چه راهی را در پیش داریم؟ و این سینه های فریبند و اکتیو دارد پند پیرو برای تأمین صلح پایه کدام راه را باید اختیار کرد و چه سعتی را پذیرفت؟

این سئوالات را به ترتیب زیر بهتر میتوان کلاس و طبقه بندی نمود چنگ جهانی سوم از کجا شروع خواهد شد و آیا دنیا بسوی چنگ اوینی کشیده میشود و تاریخ آتشبر عقب خواهد رفت که قریبا بتواند از موج تکاملی و پیشرفت تمامی ملل جلوگیری کند؟

۲- ملل شیفته آزادی نبود امپریالیزم و ا تحت پرچم وجه واحد خواهند شکست و با نین دنیای نوین و بسامان اضطرابان محیط پر دوزاری را معز و یک دنیای آباد و آزاد برپا خواهند نمود؟

۳- میر طبعی و روانی تاریخ کدام است و درس های تلخ گذشته میتواند ما در راه ایجاد یک دنیای نو که کند یا بیابانی سنگ معک و لوحه آزمابشی باشد؟

۴- سفنان فریبنده و دیسپهای جدید و ریسورهای صلح برای هزارین بار در تاریخ نبرد های بین المللی یک « انسان آزاد » میتواند گول بزند؟

۵- آیا بشر بدستی آزاد شده و آینده برای طبقات محروم پر سود مفید خواهد بود؟

پاسخ به این چند پرسش بی شک فاکتور قاطع و اساسی است که سر نوشت زندگی بشر را در دست دارد و سیر جهانی را که بعد از این بوجود خواهد آمد و چگونگی زندگی و حیات آینده را تعیین میکند.

راجع به این پرسش و پاسخ ها با اینکه ما تا کنون در دهله های پیش مطالبی

### تفسیر سیاست هفته

## نیا و ایران در هفته پیش

آورد ایم . مملد ا هر هک توشیحات مرتبی در این مورد خواهم داد .

**در ایران چه میگذرد**  
مدتها است يك عده شبهه فکری که از یک تحول اساسی که در دست انجام است هراسان میباشد به مردم بصیحت و تاکیه میکنند که این اوضاع با بار نیست و بیخنا در پرا زد و محکوم بوبرانی خواهد بود .

اینکوه عناصر که از پیشرفتهای اجتماعی خشکین هستند دارای مشغلات و خصایص میباشد که وایتیه بشریط و علیی است که رفکسر و نهاد آنها حکمفرما میباشد و آن بسکی کامل این نیست به قید امپریالیزم و مرکز تمل آن میباشد و س .

ولی هنگامیکه جهان با سرعت مبینی پیش میرود و این گروه افراد زودور و زودورا در عقب خود میگذارد باید - شرف املتی قدیمی خودمان را بازگویی کنیم که جاه کن همیشه نه چاه است .

### فاضی محمد رهبر فرقه

**دموکرات در تهران**  
طیbare آمای فتنی محمد در میان احساسات انبوه مردم تهران که در فرود گاه مهر آباد اجتناب کرده بودند در میدان هواپیمایی به زمین نشست استقبال سران انراد مقیم تهران و ابراز احساسات مردم قدم بخدمت این میهمان هر روز دنبال میکرد آقای فاضی تا مونیکه در تهران هسته مهلت دولت بوده و در ویلای شماره ۵ مهیاخانه در بنده سکندر دارنه اولین ملاقات ایشان با رئیس مترم دولت در محیطی از صمیمیت بر گذارند ملاکرات اساسی در این هله آغاز و امید میرود با حسن نیتی که طریقین دارند موضوع کردستان موضع بسیار رضایت بخش و مطلوبی خانه یابد

### در تهران چه خبر است؟

صدور ابلاغیه ضمت و زیرتشکیل حزب دموکرات ایران یکی از مسائل مایل توجه هله است و دقت در تحولات سریعی که در تمام حکومت قوام تا نون انجام شده و پشتیبانی جدی محافل آزادی خواه از دولت اصلاح طلب و اتصاد روش جدید که شاید از لحاظ تاسی به نهضت های مترقی برای بنیان یک محسرو پایگاه قوی فکر شایسته و پندیده باشد با فرصت میدهد که اهمیت نقش دولت را در حال حاضر مجدداً تکرار و نظر سیاسی و اجتماعی و توجه به آرزوی آزاد شده معاهد اساسی دولت را موجب شده است یک حزب تشکیل دهد در آینده بطور رقیق تشریح نامم .

### نیلان تحولات سیاسی هفته

#### روزنه امید

روش جدید کنفرانس پاریس بتدریج معلوم میکند که نحوه سیاست جهان تا کنیک سیاسی دول بزرگ تغییر یافته راست و اساس فرمول سیاسی آینده بروی

حل تضادیای پرنج گذشته استوار گردیده است .

با دقت در جریاناتی که از ابتدای کنفرانس اخیر مشاهده شد کاملاً میتوان باین مطلب پی برد که چهار دول بزرگ عضو کنفرانس ( فرانسه . امریکا . شوروی بریتانیا ) فعالیت خود را بپیران مبینی بالا بردارند و مسلم اینست که آئینده کنفرانس بهتر خواهد شد .

### بهرصورت دو جلسه گذشته شورای

نست بسائل کلی زیر توافق حاصل شد  
۱- قبول درخواست فرانسه نسبت به رزه های خود با دولت ایتالیا  
۲- محدود نمودن ناوگان دریایی بلغارستان .  
۳- دادن مجمع الجزایر در دکاثر

به یونان و دولت ایتالیا هم با دادن این جزایر بیونان موافقت کرده است ولی موضوع تربیت هنوز حل نشده و تشکیل انکره صالح با حضور ۲۱ دولت مسئله برتری است .

در خصوص فرامات ایتالیا و مسئله خطوط مرزی این دولت با دول مجاور نیز هنوز تصبیبی گرفته نشده است و باید منتظر نتایج کارهای جلسه امروز و جلسات آئینده بود .

### رئیس جمهور ایتالیا

رئیس جمهوری ایتالیا - استیور دیکولا و کیل قدیمی عدلی است که تا چندی قبل در شهر میلان وکالت دعاری میکرد

استیور دیکولا سابقا عضو حزب آزادیخواه و در سال ۱۹۱۱ معاون وزارت مستترات ایتالیا بود و ۱۹۲۳ عضو مجلس سنا بوده است و دبیر حکومت فاشیسم و دبیکنا توری موسولینی در معاون وزارت دارائی صدر رئیس مجلس شورای ملی بوده است ولی در سال ۱۹۲۳ چون نتخواست است نسبت به رژیم فاشیست سوگند فاداری یاد نماید از امور سیاسی کناره گیری کند ولی در سال ۱۹۲۹ و بکنور اما نولل پادشاه معاول ایتالیا مجدداً او را بسخت ستانوری مدین مینداید و نتیجه این محبت و مهربانی این بود که در سال ۱۹۴۳ هین دیکولا یکی از حاملیت موثر خلق و بکنور اما نولل و نصیب پسرش بجای او بنصت سلطنت گردید

این رئیس جمهور جدید ۶۹ ساله است و در سال ۱۸۷۷ در ناپل متولد شده و با اکثریت ۳۹۶ رای از مجموع ۵۰۴ رای از طرف مجلس موسان ایتالیا ب ریاست جمهور انتخاب گردیده است

### نظر کلی به رویداد های جهان

در کنفرانس پاریس امروز ممکن است مسئله تربیت و فرامات ایتالیا و مستمرات کشور در مورد مطرح گردد بحث نایندگی انگلیس هنوز در هندوستان مشغول فعالیت سیاسی هستند فوت پادشاه هلی نیز در سال سیاسی هفته معسوب میشود

### کردها را بشناسید

واد سلشور و باشاست و مبین برت کرد سالبان دواز است که در قراز . کوه های مرتفع و فلات سبز و گرم ایران زندگانی کرده و سری را بنهار و سربندی گذرایده اند .

تاریخ بر انتشار این قوم همیشه شاهد وقایع برجسته و فداکاری و از جان گذشتگی آنها در راه عظمت و ترقی ایران میباشد این گروه در مواقع مختلف عظمت و نبوغ اسالی خود را آشکار و بدینا ثابت نموده اند که استعداد لیاقت هر گروه ترقی را دارا میباشد و در مواقع ضروری در راه عظمت و استقلال ایران جانایزیا کرده و فداکاریها نمودند و کتاب پادشاهان نامی و پیشوایان بزرگ برای حفظ عظمت و قدرت ایران جنگها کرده و کشورها گنوده اند .

و بواسطه خدمات دوستانگی که هر بار در راه آزادی دادند همیشه مورد تنظیم و تکریم عموم بود و امتیاز خاصی را از سیت سلشوری و مردانگی در جامعه دارا بوده اند .

مناقشات در این چند سال اخیر بواسطه لغای و اکدورت بی موردی که چندین هوام قریب سبب آن شده اند و در بعضی مواقع دیگر نیز هدم توجه دولت باین منطقه و ظلم و زور مامورین خان باعت آن گردید که مردمان این سامان از زندگانی خود مایوس و از آئینده نا امید گردند .

شاید سبر و شکیبائی این ملت در برابر سوادت ناهنجار روزگار و فشار های سیاسی و شکنجه های سخت بدشاهان سی نظیر و کتر کسی میتواند طلعت تحمل این همه ظلم و بیاد گیری ها را بیابد .

مهرنگ و بهداشت ناسی و فقر و بیچارگی این سامان روز افزون است خرابی وضع همیشه بودن و مسائل زندگانی و هدم توجه دولت و زمامداران وقت بمران و آبادی این منطقه و خود سری و غارتگری مامورین وظیفه نمناس در این ۲۰ سال با آخرین درجه خود وسیه آنها از سبر و شکیبائی سردمان نیب کردستان استفاده کرده و بی بروری را با آنها رسانیده اند که بناموس و حیثیت آنها دست درازی کرده و از هر گونه شکنجه و عذابی در باره رهایی چهار مرد گردان نبوده .

ولی باز مردمان سبور و مبین برت کردستان بواسطه دور مبین برستی این همه نا ملایبات را تحمل و در معال رفتار و حیثیه آنها هکس السی از خود نشان نداده و برای اینکه آنها را متمم به باقی گیری تابه سکوت و اختیار نبوده .

در این چند سال اخیر نیز وفاداری و مبین برستی خود را بارها بتقدیر رسانیده .

ولی تامل آورد است با وجود این همه بدبختی و تحمل این همه نا ملایبات از جای اینکه بر جراحات چند ساله اگراد مردم گذاری کنند و دولت با همه در صلحه ۷

بم آفای سروس انور از سنج



بانکه پشتیبان مردم آزادخواهان کشور حاضر هم زمام امور کشور را در دست گرفته و قبول مسئولیت نماید.

بطوریکه هموطنان عزیزانتظار

دارند شده قبل بر این سوه سیاست منصفانه امور و غفلت زمام داران مثل ما افاست نوابی خارجی در ایران و تحریکات بی دین بر علیه آزادیخواهان و خصوصا برادران آذربایجانی و تیرگی روابط با همسایه شمالی افکار عمومی چنان دچار باس و نومیدی شده بود که هر آن افکار میرفت بر اثر برادر کشی و جنگ داخلی و پیش آمده ها و حوادث غیر مترقبه موجبات مزید اضطراب و بریشانی ملت ایران فراهم کرد.

امشب لازم میدانم با اشاره بگذشته و اقداماتی که بعمل آمده نظریات خود را نسبت به آینده باستحضار ملت ایران برسانم.

البته کیفیت انداماتی که در مدت کوتاه زمانه اداری اینجانب بعمل آمده بر هیچ یک از هموطنان پوشیده نیست و بدیهی است تخلیه کامل ایران از قوای خارجی بر چه ترین هو فقیبت این مدت کوتاه بشمار میرود زیرا با تخلیه ایران از قوای خارجی زمینه مساعد و آزادی عمل برای آغاز اصلاحات مهم و اساسی بدست آمده است.

پوشیده نماند که تخلیه ایران از قوای خارجی در نتیجه ایجاد حسن تفاهم با اتحاد جماهیر شوروی میسر گردید و بدیهی است که رفع سوه تعاملات گذشته در نتیجه مسافرت اینجانب به مسکو و مذاکراتی که از آنرا پس استالین و سایر رجال مهم شوروی در مسکو شروع نموده بعد در تهران با سفیر کبریا اتحاد جماهیر شوروی در ایران ادامه دادند منبر به عقد موافقت نامه شد انجام گردید.

جبران غفلت های گذشته و استنراف روابط حسنه و مودت آمیز روی پایه صمیمیت و احترام متقابل با اتحاد جماهیر شوروی در کلیه شئون کشور تاثیر نموده و در واقع غنم این مسئله مهم انجام یکی از بزرگترین آرزوهای ملت ایران بشمار می رود بدین است تاثیرات مطلوب آن در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دو کشور دوست و همسایه در آینده مشهود و محسوس خواهد گردید در مسائل داخلی مشکل آذربایجان در وس امور بودو باعث نهایت مسرت است که مذاکرات مربوط بان با وصف اشکالات فراوان بالاخره در نتیجه حسن نیت طرفین پایان یافته و این موضوع که مولود غیبتها و دشمنیهای گذشته بود بالاخره به نفع آزادی و وحدت ملت ایران حل و تصفیه گردیده است.

تخلیه کامل در هزینه زندگی مردم منع کشت تریاک. تقسیم به تقسیم خالصه جان دولتی میان زارعین و تهیه مقدمات اصلاحات بزرگ اجتماعی که در اعلامیه های مختلف اشاره یا لها شده از جمله اقداماتی است که در این مدت کوتاه بعمل آمده است

# پیام جناب آقای نخست وزیر

بقیه از صفحه ۱

اگر خلاصه از اقدامات این مدت را گوشزد نمود منظور خود نمائی نبوده بلکه میخوام نستی از بیان این مدت کوتاه را با استحضار ملت ایران و عموم آزادی خواهان که پشتیبان حقیقی من بوده و دو تمام این موفقیت ها شریک اقدامات اساسی زمانه و آسایش ملت ایران را که انحصار خدمت گذاری آن را دارم تا بین نمایم باید بر سر میا گفته شود که بنام حفظ مصالح کشور و تأمین آزادی و آسایش ملت ایران هر دسینه و مانعیکه در راه پیشرفت برنامه اصلاحات و حصول موفقیت ظاهر شود با نهایت قوت دفع خواهم نمود.

اما راجع بآینده.

ملت ایران حق دارد از کسایکه مسئول اداره امور کشور میباشند خواستار شود که با اتخاذ تدابیر لازمه و اجرای اصلاحات ضروری رفاه آسایش مردم در آینده از هر جهت تأمین شود و افکار مترقی و اصلاح طلب در سرتاسر ایران رواج پیدا نماید اصول کلی سیاست اینجانب در آینده در برنامه دموکرات ایران تصریح شده و با مطالعه آن کیفیت و چگونگی اصلاحاتی که مورد نظر است درک خواهد

شد و لازم میدانم در بعضی مسائل توضیحات بیشتری بدهم.

سیاست خارجی اینجانب در آینده مانند گذشته بطول استقلال و مصالح ایران خواهد بود.

و بدیهی است اساس آن روی حفظ دوستی و تشیده روابط حسنه با کلیه دول متصنه خصوصا دولت اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متصنه امریکا استوار خواهد گردید و چون معتقد هستم در روابط

بین المللی هر قدر مفهوم و معنی کلمات بیشتر روشن شود بنحوی که هر گونه ابهام و سوء تفاهمی بر طرفی گردد حصول موفقیت در تشید مناسبات بیشتر میسر خواهد بود لازم میدانم مفهوم حقیقی روابط حسنه را توضیح نمایم.

سالم است که ایران با هیچ دولت جنگ نداشته و روی تشریفات ظاهری و پرتکل های جاری با کلیه دول دارای روابط حسنه بوده است ولی در تمام این مدت آن چه تجلوز بطرف ایران و امرات و ایرانیان شده متاسفانه بنام حفظ روابط حسنه و احترام با استقلال ایران صورت گرفته است سیر تکامل ملل و رواج آزادی و افکار مترقی و دموکراتیک در سرتاسر جهان ایجاد میکنند که منبهد حاکمیت و آزادی ملت ایران از هر حیث محترم باشد و رعایت گردد و اجرای مسئله اقربا با شعفا و مداخله در امور داخلی ایران بنام روابط حسنه و احترام با استقلال ایران برای همیشه ترک

خود اینجانب مسم منم استقلال و آزادی حقیقی ملت ایران را حفظ نموده و لازمه روابط حسنه را در عدم مداخله هر دولتی در امور داخلی ایران میدانم.

ملت ایران که سالها بملت مداخله دیگران عطف مانده و توانست است برتریاتی که استناد ادواتی و موفقیت جهانی آن امتضا میکند نالال کرده امروز مصمم است حاکم بر مقدرات خود گردد و سرانوش خود را آزادانه به دست خود تعیین نماید ایران باید کانون آزادی و مرکز افکار مترقی شرق شده و قبله آمل عموم آزادیخواهان آسیا گردد

و بدین وسیله مقام حقیقی خود را در جهان بار دیگر احراز نماید بدین دارم کلیه دول دوست

به توابلات حقیقی ملت ایران توجه نموده و مفهوم حقیقی روابط حسنه و احترام با استقلال ایران را درک خواهند نمود و سایر مورین و نمایندگان خود در ایران دستور خواهند داد که علاوه بر احترام از هر گونه مداخله در امور داخلی ایران قسی رفتار نمایند که با اصول دیپلماتیک که میان ملل راقیه مسول میباشد مغالطت نداشته و تقرب و احساسات ایرانیان را جریحه دار سازند

این جانب مادام که مسئول امور کشور میباشم تنها وسیله تحکیم حکومت ملی و تشیده استقلال ایران را وسیله هم مداخله دیگران در امور داخله ایران میدانم همین جهت در حین اینکه خواهان استقرار

بهترین مناسبات با کلیه دول خصوصا اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متصنه امریکا میباشم اجرای اصل فوق را در مناسبات خارجی خود خشی و ضروری خواهم دانست بر عموم هموطنان عزیز پوشیده نیست که اینجانب با طی کلیه مراحل سیاسی و اجتماعی امروز دیگر هر س مقام و مرجعیت رسمی دارم و اگر با این مشکلات باور سنگین و طلاق فرسای اداره امور کشور را بر دوش گرفته ام فقط بنظور خدمت باب و خاکی است که در آن پرورش یافته و خود را بآن مدیون میدانم.

باید عناصر کهنه پرست برای همیشه این نکته را درک نمایند که باید اداری ملل با نانو افکار مترقی که در سرتاسر جهان رواج یافته است زمام دیگر روابط حسنه را در دست بگیرد و امروز که ملت ایران تشنه اصلاحات میباشد و از خدمتگذار خواهان است اینجانب بانگاه عموم آزادیخواهان ایران با نهایت جدیت و قدرت مصمم هستم حق ملت را ادا نموده و مفهوم حقیقی حکومت ملی را رعایت نمایم مفهوم حقیقی حکومت ملی این است که مردم حاکم بر مقدرات خود باشند و اقدامات حکومت بنظور تأمین رفاه و آسایش اکثریت مردم صورت

گردد و افراد و عناصر غیر مسئول نیز در امور دولت مداخله ننمایند

توضیحت من بمصوم آزادی خواهان ایران امشب اینست که با رعایت ترتیب و انشم صفوی خود را محکم و مستعد سازند و بدانند که عوامل بدخواه و نفع پرست که هویت آنها برای ملت ایران محرز و مسلم میباشد بانهایت فعالیت تلاش خواهند

کرد اجرای اصلاحات را بتاخیر انداخته و میان آزادیخواهان تولید اشاق نمایند تا در انتهای آینده که مقدمات شروع آن در شرف تهیه میباشد ایجاد اختلاف کنند

غافل از این که کشور ایران مانند کلیه ملل دیگر جهان روبه ارتجاع نیروود و آینده ایران بدست جوانان مترقی سپرده خواهد شد که در منکب وصال پیشی احزاب وطن پرست تربیت یافته و خود وا سر بزاران آزادی و خدمت گذاران حقیقی ملت ایران بدانند.

امیدوارم که در روزگار آینده که مقدرات و سرنوشت ایران سراز فداکاری و همت ما باید تعیین گردد خواهیم توانست بر اثر شایستگی اصیل خود رشد سیاسی و اجتماعی ملت ایران را در مقابل دنیا با ثبات برسانیم تا در متنازع غذا و ملت ایران و تاریخ همیشه سر افراز سر بلننه شویم.

اینجانب که تمام اوقات شبانه روز خود را وقت مردم و خدمت گزاری به ملت نموده ام روزی خود را مستحق استراحت نخواهم دانست که در بهبود وضع مردم و تأمین رفاه و آسایش آنها بوسیله انجام اصلاحات ضروری موفقیتی حاصل نموده باشم و الا تا حصول نتیجه ثابت و قطعی ملی رغم تمام تحریکات و دسائس بانگاه بیرونی وسیع آزادی خواهان به خدمت خود ادامه داده و دقیقه ای از انجام وظیفه غفلت نخواهم نمود ایکه دستت میرسد کاری بکن پیش از آن تو نباید هیچ کار

## آگهی حصر وراثت

هدهم خانم محمد زاده صادق ساری درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که محمد صادق محمد زاده مقیم دامس متوجه فوت نموده و وارث او منحصر به نظریه خانم (مادر) و یک زوج (هدهم) و سه پسر (محمد امین - بهاء الدین - اقبال) و سه دختر (شریبه - کبری - عزیزه) میباشد بستمه گواهینامه محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه مترقی به دو گواهی ضرورتا وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور شاعنتامی و روزنامه که هستان درج میشود اگر کسی وخواه است یا وصیت نامه رسمی باسری از متوفی دارد از تاریخ درج اولیبت آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود

و بیس دادگاه بخش کردستان سخیامی ش. آ. ۲۳ - ۲۰۲



### رابطه بین مالک و رعیت در کردستان

بودن قانون عادلانه و رژیم درست و حساسی اجازه داده که در دوره پیشرو پیک دهی که دارای سهام متعددی است یک نوع رفتار مخصوص دست متعده اشکالی در بین رعایای سهام آبادی واحدی معمول و مجربا شود برای نوبت چندین سال زود بازرز از طرز معاملات در یک یا چند دورا برای خوانندگان نقل میکنند تا بداند چرا با این آب و این زمین و این دست خاک اغلب رعایای مالک در کردستانها از آغاز سال تا سر خرمین آن جو یازرت با اوزن یاد ریاضی اوسنی فقط کشتک فوت لایبوتی ندادند ۱۱۱

اینها در اثر نبودن کنترل رابطه در گوش آنگونه رعایای غومی باشد که در اثر نبودن وجود سازمان های مرتب و موثری که در سر نوشت حیات اقتصادی رعایا و یا رسیدگی بنظم آن اثر نمیدی داشته باشد باین روز سیاه گرفتار شده اند در هنگام ایراد شکایت از طرف یک زارع بچرم اینکه شاکی ها نمی بردی است رعیت بواسطه صفر تصور کردن ارزش اجناسی وی کسی حاضر بشینم هرایش او نبوده و هیت حاکم حاضر باسماع کنتار و تشریح واقعی آن بیبوابان دورا هر حال نمی باشد .

اقدام ذیل نمونه ایست ناس از طرز عمل و بهره برداری سالیانه و روز مره بشو و بکنه نام نراه کردستان آقایان سیاهه ذلی افران نیست بلکه مخالفین باوری است که فرسودگی دستگاه مالکانه کردستان خواهد بود اگر باور ندادید بدقت جزه جمع سنواتی و بیاض و یادداشت های مالکین و به اشرافیت ولایت مراجعه نماید خانوار جو چین بدیعت که جز آبجوهای ده از هیچ چیز استفاده نمی کنند دهها روز بیکاری جوجیاه (میلنی نقد) جوجه - تمام مرغ میدهد و همیشه یکو فاضله بینده و شهر استو ارتباط خانه ارباب و مباشر را میدهد و میباید از محصول یک آبادی از نصف و ثلث تا دوهتر با هر ۱۱۱ دوده با ۱۱۱ و غیره بهره برداری میشود خرمن یا خرمن می و شش من ضابطه - ناناه ضابط بنابه مرسوم - کشتک - ووغن بنیر الاغ بیکار - آدم بیکار - سرچلی - ماست - کره - چاروب - سوخت - کوزه سفالی - بره مرسوم - تمام مرغ - ووغن چراغ - هلق ضابطه - باور کاه و هلقه کوفته قورمه - کشتک چرخه

میاثر - تاوری جووزرت گهم سرخرمن سلف روغن - منافع بی اسفانه در مقابل مختصر قرض برهیا دلالی و ساطت بین رعیت و مامورین (هم از انا دارم یا نظام وظیفه و غیره) عیدانه - حلاله - سورانه (هنگام ازواج دختر رعیت) جلوداره (در موع هروس رعایا) ۱۱ اینها باقیاننده و امونه کاملی است از آخر وقت مندرجه فروشی قرون وسطی

خاله هروس و داماد موظفند در هنگام هروس خورک و بره ۱۰ تناس حساب رعیت بجاه مالک یا مباشر بپردازد - زغال - هیزم - رعایای مالک در باید خود سواره یا اسب آنها همیشه در رکاب مالک یا مباشر حاضر سفر یابد

در موارد سرای ارباب یا رعیت نه تناس باید بره و روغن تقدیم شود - بعضی از در آمده های فوق بشکل واردات و بطرز بسیار کیفی و مستحقی توسط با کار و کسند از کینه تپی رعایان قران جمع و در یک جا بپایند مالک منظور میشود .

محصول خالص مالک از صدی چهل تا صدی مد بشکل بیکار کاشته و جمع آوری میشود - اینها امونه بود که چون خیلی عادی بوده و به خاطر داشتن سبورت پادداشت شده قطع امراضی صحت که بدان وقت و لغت نداشته و نمی توانم از آنها بحث نمایم - آوری سورت فوق نسبتی از موزاری است که تحصیل بردوش نانوان و لغت رعیت ینوا میگردد آوری رعایای مقبر و گرسه که حتی شبها از ترغ چراغ موشی نیز محروم اند باید خواه ناخواه بهر طریقی بوده تمام یا چند قلم از رقبای فوق را تهیه و تحویل کنند ۱۱۱

مسئله منارف و تفرجه یا اصول مرسوم بشینایی از حقوق رعایا دوبرابر مامورین بنظیر که یکی از اصول روابط بین مالک و رعیت می بایست باشد در تاسیس رستان و یا سواد کردن افراد و جلوگیری از شوج امراض که بطور ایدمی یا مرسوم در بین زارعین یا اغناشان منتشر و موجب هلاکت آنان میگردد این توجه امر شده و مالک خود را وظیفه دار می دانست چون سواد اشکال آتی مالکین را موجب میگردد در افتاح مدارس تولید اشکال و روادع سواد میشدند

اجداد میمان سرای متناسب با وضع ده که مامورین و خازجیان را از ورود بیرون خانه محض و تاریک دکنان جاو گیری ناهم مورد نظر نبود - در انتانت اداری دهقانان بشری مالکین باباشیرین سنی و کمبورت هندی یاغیر هندی بهرج میدهند که تا این درجه سنی و روغن را فقط باید ذخیره زهر چشم گرفتن از رعایا برای روز مبادا و اولولوشان دادن مامورین باید امید .

اغلب از یک پیام هادی یا یک سفارش یا ضمانت که بیواند کشاورزی را از یک گرداب اداره و مقررات خشک که اغلب مانده مامورده مدیترت بیچارگان است دریغ میشود خصوصا در سنوات اخیر بقدری در اغذ سهیه کالا های انحصاری برای رعایا سهل انگاری یا چشم پوشی میشد یا در تفریط حق رعایا یا مامورین همکاری و حرکت چهل می آید که از بیان واضحتر آن خوداری میکنیم آنها برای بردن سسی از شکر زرد رعایا بود و آیا برای این بود که درانی و اقتصاد از مطالبه مالیات مقله مالک خودداری

### مهر مبین

دو روز هیون تنگ ابریا طور سابق بین دو شهر پکن در باغی گردش مینمود (نویسی) وزیر شهنشاه همراهش بود و از هر دری سخن میگفتند در انبای کانتگو پادشاه از وزیر باهتدیرش سوال کرد که بعیدم تو در مملکت از چه چیز باهتداز هر چیز بیشتر ترسید .

وزیر عرض کرد جهان بناها عیدنه ناقص من بر این است که از هوش درون بت بیش از هر چه باید ترسید پادشاه از این حرف مسا آهیل وزیر مدتی سکوت کرد و ناچار توضیح خواست

### نگرانی از هروس برای اطلاع وزارت کشور

حضرت آقای نخست وزیر در نوشت وزارت کشور ... و نوشت نامه کوهستان در این موع که تمام توجهات ادلیای مهم دولت معروف رفاه و آسایش رعایای کشور است نویبان - رعایای قریه خوش مقام از تهذیبات و اجاسفات طایف فرسای آقای احمد قیانی مالک و نماینده و دهقان رسی او بستوه آمده با تعدیل کلیه تمهیدات و تخفیل پرداخت اذانه بر مالیات معمول و در صورتیکه هر نفر از نویبان بالغ بر پنج هزار تومان آبادی و عسرت و عسرت در دست مذکور شود مطالعه پنون جهت و قصور در صدد افرام و بیچاره گی نویبان بر آمده چند روز است شیر آمده به ادارات فرمانداری دادگاه شکایت از احاطه اقتدار و لایق معالی آقای احمد قیانی تربیت اثری به هرایش چاکران داده نشده استرخاما دادوسی و اخلاق حق و رفع تمهیدات احمد قیانی نماینده و دهقان او را سر با قاضا مند و عسوما در بیچار منتظر جواب و عطف توجه را خواستاریم از طرف عموم رعایای خوش مقام و روی شکر می رسد و حسن هفتی ملی بازی شده امرا در عسرت غیب علی شاهر

برای اطلاع وزارت پیشه و هنر و وزارت پیشه و حرفه نوشت نامه کوهستان جناب آقای درویش و آقای مهندس شیردل رئیس کار خانه و آقای فروزنده سر پرست چند کاره جهت سر نشی بوزارع چند کاره بخش دوانسروارد مسامحه چند را بخود زاوحن در سر مرزجه پرداخت این عمل تا بحال سابقه نداشته باعث امیدواری و تشوق چند کاران گردیده امیر احسن رشید اولدان

و نسیم غله و آن طوری به باید بگیرد و یا تذکر مامورین بود که با مامورین اجازه دنگت را از مالک سلب نمیکرد و حال اشکال طبیعی است که مالک برای دفاع از مصالح خود هم باشد بیدار یک و کیل مدافع چندی سخت و حقوق رعیت دفاع کند زیرا مسکن نیست به سگم خرمن مانده فوش خرمن و برده و بگناه به هشی او را بدست نهاد و قدر سیرده تسلیم سر لوحت فلاکت یار و به بعضی هیشگی پشاه

وزیر عرض کرد خاطر شاهانه مستحضر است در هر شهر و دیاری بت چوبسی نص می کنند و از آن هیکل دفع فشار و طلب منافع مینمایند و آن را برشتن می نمایند این بت شاهرا راست با فش و نگار و جواهر اغلب میان تپه موجود میباشد گاهی موشها بدون اجبت بت راه می یابند و در آن با کمال آسایش لانه میسازند خلاصت که خلاصی بت از آن موش هم حال و مرحله ها دور از هم و خنک است چرا که مردم آن بت مقدس و هیکل معظم را ستایش میکنند .

نمی توانه آنها بشکنند به مینود آنها بسوزاند چون سلامت میبودد می اشترامی خواهد شد به آنها در آب اندازند چون نقش و نگار آن از میان میرود پس موش باده پیش در کمال آسایش در سایه و درون بست محفوظ میباشد هیت طور است که اشخاص ناپاک

و شانست در مزاج پادشاهان و در درون و طقت لانه میسازند و با منبرام محل و مکن از هر گونه آسیب و آزاری مصون و معظوظ اند و دست کسی با آنان نمی رسد .

دبکر اینکه اصطلاح دزد خانه که از ازمته قدیم مردم از آنان در بهره برداری بوده اند چون بعد اشتغال دزد خانگی شناخته نشود و کبر نخواهند افتاد پس وی مردود اند و شناختن به مبین (موش که بین شهاب) کند . گوشه های تاریخ ملو و مفسحون از داستان این کنه کاران است که چوشت موش یا مویانه از اساس و رنگ و رفته شاه شروع بخراپ و فساد میکنند چه سازمانها و چه ساختمانها و مفسحها که با دست ناپاک شودی خراب و از میان رفت اگر فلان عده سر بزاز تسلیم نشینند اگر فلان حاکم پنهانی نیبانت . اگر آن تپه کار راه و چاه را نشان نینده اگر آن یکی بطمع جاه جلال دیول خیات نی کرد اکنون اوروق تواریخ پنج ولجه دیگری بودند ؛ و هاید دنیا سر نوشتی دیگر داشت ؛ پس سیر تواریخ و نش طیبست بیشتر مدیون و مرمون دست خیانکار خودی خانی بوده یا زهم تاریخچه از مردان میبست دوست را شروع می نمایم

این مثل مشهور است که آتش آزادی آمریکا را پاتریک هنری وجود و اشکنان افراروشند و سوبیل آدامس و همد دیگر افراسردان آنها دامن زده و اشتغال دادند - سوبیل آدامس از اشخاص ثابت قدم و متین در رخ و یک و یک بوده شویست و به شرح مذ وسیع در کشور ستن آمریکا که برای ولن بوده در سنه ۱۷۷۰ مسیحی ملک آمریکا ری آزادی با انگلیسیان از آجی بنازاده برداختند بوجود آمد و از مردانی است که تمام نوای خود را صرف خدمت سپهت کرد ؛ و بدین واسطه اسم و عنوان با انتصار ترین سلاطین و ا در میان آمریکاییان کسب کرده و اسبش در قلب هر فرد آمریکایی با احترام ثبت است -



بنام آقای محمد مردوخ آیت‌الله کوردستانی

### کرد و همدان - ۶۱ - سنه اردلان

حکومت شاهزاده معتمدالدوله (فرهاد میرزا)

هنوز سخن شاهزاده تا آخر لریه مدعی شلیک او را میباید بلند میشود و گلوله مانند تیرک باریدن میگیرد شاهزاده امر به حصار سور و نظام میدهد از هر طرف نه سوار یا نظام سر در می آورند هدف گلوله میشوند و رهسوار هم میگرددند چندین گلوله هم بچادر شاهزاده اصابت و یکسفر پیشخدمت که میان چادر بوده با ضرب گلوله از پای در می آید.

یک گلوله هم بشرف الملکه اصابت کرده زنی میشود با این احوال شاهزاده لبخواره حاضر حرکتشود. شرف الملکه می بیند که عازم فرار جلو فکر شاهزاده را گرفته ملتفت اشتد شن لیست خوبی نخواستی شاهزاده را وادار برادر میکند پس از کشت شدن جمعی شرف الملکه و شاهزاده و کسانیک ایشان دم دست بوده سوار میشوند و رو به فرار میگرددند.

در بین راه شاهزاده کاهکاهی برای تسلی خاطر خود این شعر را میخواند -  
لیس الرایوم عاراطی التی  
اذ حضرتت الشیحات بالاس  
پشت سر شاهزاده سربازهای کوردستانی ثبات قدم بفرج میدهند قریب یکساعتی دفاع میکنند تا اینکه عباس میرزا سلطان و مشی محمد بیگ نائب و چند نفر از سربازان کشته میشوند جمعی هم اسیر میگرددند. دو نفر فریاد می شنیدند شاهزاده هم که مستحضر سر برده بوده الله حکم حله او را میباید میان چادر کشته میشوند.

هم با هم از سرباز و همراهان شاهزاده (۳۶) نفر کشته و (۱۸) نفر اسیر میگرددند.

آنچه اتایی و اسباب و نقره آلات و نقد و جنس هر چادر شاهزاده و سایر همراهان او بوده همه سلب او را میباید شود. سرباز کچل او را میباید تره شاهزاده را پوشیدمو سوار اسب لشکر شاهزاده شده و چند نفر را جلوانداخته بتقلید شاهزاده در پیشاپیش او کلسات فرارشانرا میدانی بلند ادا کرده اند (برید چنوا رسید کنار یکشید عقب دورشو کورپاش)

شاهزاده و همراهان دوشرف یک شبانه روز خود را بهر می رسانده شاهزاده از الم این حادثه چون شیر زخم خورد و شب و روز بخود می پیچید و تسلیق ماهاری را کامیابی بر سر مشور هابوئی میرساند اعلی حضرت شهرابری از این قضیه برآشفته امر میدهد دو فوج سرباز همدان و دو فوج حسسه و یکهزار سوار در تحت ریاست مصطفی علیخان (احمدالسلطنه) و یک فوج سرباز انشانرا در میاید ایچیویک خان سرتیپ (انبال الدوله) پنجاب کوردستان و در کشته سرداری این سپاهرا که مرکب

انتر طبع لای انتباس از مجله کلا ویز

### رو گدله نه زاین

آگری جبل و نه زاینستان به جوری تپسی کرت  
دایلمی ناوله دی خرمانی جا کسی زینی کرت  
ساری گپنی کوی زالی روزی تلمی ازل  
کل ملطت چه زنی شادی کرت و کوردیش شینی کرت  
تیری تصیری جفا کاراسی خالم بی خطا  
گوشی چه رکی اهالی حاجر و نمکینی کرت  
سدی گهوری دنی دوزن علمه بو باغی وطن  
جا که دای آوردی جاهل باغی بی برزینی کسرت  
رو و نه زاین کره کوی توبشه تمدادی تپوس  
بودرینی ورگی گاگل بس که گورگی لینی کرت  
هرله سایه ی علم وزانیت بو که دستی اورویا  
ام رضا یسی بهنی هرز و عاسا بی شینی کرت  
بینه وه سر بساسی فوسی کسورد و زاپنی نزان  
تاجی هرغالی فریدا که وه آدمق چینی کرت  
دین و دولتا کسرتی پیوسته تو خواهی مه لا  
بس پالی دولتانه واژه بسبه هر کس دینی کرت  
بی کتابت چا نه نوسین شیخ و آغا و وولا  
دستی کار و تاجی مه ولوچاری تیکو شینی کرت  
<چرچل و دروزات> خربگی رادی غایب روز و شو  
گه رده کوی ایسهش به بی علم پرچی پوره شینی کرت  
دل گرفتاری غزالی پاشه قات لومه ی مه که  
کسر وه کو بولبل به دایم شیوهی نالینی کرت  
بولدا کاری نه بو «فانی» که دستی تا که مام  
سیوی زپونی چه ناگی جوانی «خانولینی» کرت

اشمار فوق و آغای آ از مستند ارسال داشته اند

**پزشک دائمی در منزل**  
نام پزشکان پزشک دائمی در منزل شما است و آبودان  
پیکاله آن فقط صد ریال است.  
دکتر طهران آزمايشگاه شفا - خیابان اسلامبول - آغای  
دکتر محمد تابش  
شماره ۳۳۲ - ۳-۱

**اداره کل گمرک توجه نماید**  
جناب آقای نخست وزیر درو نوشت  
کل دخانیات - درو نوشت کل گمرک...  
درو نوشت کوهستان  
خلاف دستور کل دخانیات روز  
۱۷ و ۲۵ گمرک مستند ۴۴۲۰ توب  
کافه سیگار اینجاب را بلا عوض ضبط  
و ۴۴۰۰ ریال جریمه گرفت در صورتی  
که باید وجهش را بدهد. سرتاب  
فرمانداری - دخانیات شکایت شده عمل  
گمرک را خلاف قانون دانست الله گمرک  
به فرمانداری هم اهیتی نیدهه سرمایه  
ام از دستم رفته تقاضای بدل توجه  
مضمون داد.

**از همدان - شیرازی**  
دیگر در اطراف رود مانده بستخت  
بل اشتغال دارنده در همه جاسا حلات  
اورامیها را رد کرده آنها را با تلفات  
زباد محکوم جازگشت مرمانید  
روز (۲۲) بیه اردو از آب گذشته  
عوما با حده و برش سنگرها و سنگها  
و ظل جبال را متصرف میشود. شب را  
با آرامش بسر برده صبح روز (۲۴)  
شیور حرکت میکند.  
با شیورو بالا بان رهسواران شود  
میگردند. در بین راه وحینیک و عثمان  
یک سران محمد سید سلطان در جلو  
اردو عرض اتمام میکند

در روز روشن لشکر سلم و توه تا مع  
صور قادر بر عبور از رودخانه نخواهد  
بود ناچار شب (۲) و بیع التانی اعتماد  
السلطنه از تاریکی شب استفاده کرده  
بدون اطلاع سائر سران نظام خود را  
بلب رودخانه میرساند و در زیر سنگهای  
طبیعی و مصنوعی کین میگردد و منتظر  
روشنائی صبح می شوند طبعه صبح فوج  
انشار از این اقدام بیخبرند اعتماد  
السلطنه مطلع میگردد آنها هم غیرت  
در آمده خود را دستگاپوسنگرها برناب  
کرده مانند برق در لب رودخانه غلط نمیر  
می بندند.  
اورامیها در زروه نرغمان در پشت  
سنگرها مانده از شلیک توپ و تفنگ  
دولتیان جرئت نمیکند سردر پیاورند در  
نتیجه این تدریب رودخانه از نظر آنها  
مشور مانده نظامیان دل بپریا زده سا  
خنا از آن دریای روان میگردد نه ممانده  
کبک کوهسار از سنگها و سنگهای  
آن شامخار بالا رفته چنگ منسوبه درگیر  
می شود و گلوله توپ و تفنگ دولتیان  
مانند تکرک بر سنگرو مکن های اورامیان  
باریدن میگردد. بگریک اور می از  
گلوله قیور بیوا رفته نلاشی می شود.  
روز (۲۲) و بیع التانی تفنگچی هر  
دو اورامان باین قسمت متوجه شده یک  
مرتبه بر اردوی دولتی حله ور میشوند  
اردو که قستی از آب گذشته و قست

شاهزاده پشام دستجات میباید که هر  
کس سهراب کچل را زنده بامردهای  
او بیارود صد تومان و بطقه شل احام  
خواهد داده صح فره و بیع التانی ارومی.  
ها غده ازمست دونه کلوی برش باورند  
محمد علی خان ظفر الملک آنها را بوسیله  
آتش فشان توبخانه و خلیق تفنگ خراب  
می نشاند و چندین نفر را از پای در  
می آورد. از سربازان فوج ظفر نیز  
خلوغات سلطان اردلان و یکسفر نائب  
و بیست نفر سرباز کشته و زخمی میشوند  
چنگ آبروز از آغاز صبح تا هنگام تمام  
ادامه پیدا میکند. بالاخره تاریکی شب  
هر دو طرف را محکوم بسکون و سکوت  
می نماید.  
از طرف قست جوار اردو هم محمد  
سید سلطان پهای چوری و مسیروان را  
باب زده چهار صد نفر تفنگچی و بری  
چلوگیری از اردوی دولتی بلب سیروان  
میلرسته. هینکه اردوی دولتی بنزدیک  
رود سیروان میرسد اورامیها شروع  
بشلیک میکنند و اردو را از عبور رود  
مسامت مینمایند. تشکیک مرادوی دولتی  
مستولی شده با تلاش و زحمت زیاد چسه  
را که در نزدیکی رود بوده بتصرف  
در می آورند  
سردوان سباه میبندند بسا وضیت  
اورامیها که تمام مرتعات را گرفته اند



### نگراف از قصر

جناب آقای توأم السطه نخست وزیر آزادبخواه ایران، رونوشت آقای وزیر داد گستری و رونوشت جناب آقای تنوی ممانون وزارت داد گستری و رونوشت آقای وزیر کشور و رونوشت جبهه و رونوشت گنجان رو دخت ایران ما رونوشت - و غیره رونوشت ایران رونوشت داد رونوشت و هستان رونوشت اطلاعات این جایان اضاء آنته گان ذیل بنام حقیقت و انصاف و درست کاری و ایران دوستی فریاد مظلوماه خود را از آخرین نقطه قرب یعنی قصر شیرین بسط اولیای امور و لایه آزاد بخواهان و زاد مردان ایران رسانیده و از اینکه دولت ایران کمتر پلج توجه باین ناحیه و مردمان آن ندارد باعث کمال ناخاست که بعضی عناصر فاسد و غلغ طلب از موقعیت خود سوء استفاده کرده و بجان مردم بیچاره افتاده علاوه بر هر گونه تعزیر و آزار مردم و اضافه بر اینکه برای جزای امری مقدار زیادی رشوه میگیرند دولت لایه بوت ما زار همین و پیشه و روان و مردم قصر شیرین را بطور قاجاق بجا حصل نموده و هر شبیه باعث گمبایی و گرانی میشود تا جیب های خود را با دزدی ممال ملت پر نایبته از جمله خلاف کارهای این آقایان و دست مرتجعین هتکاران آنها تخلیل فاشی هایدات گسری است که در سال ۱۳۲۲ در آمد ملاحظه آن بالغ بر ششمه هزار ریال بوده و از موقعیکه آقای - نصرت اله آزادی رئیس گسریک قصر شیرین باین نقطه مسامودیت پیدا کرده اند -

بافتاق آقای تهرمانیور محاسب آن اداره اینت قلم از هایدات دولت که بایستی صرف اصلاحات و حقوق مسامودین هواتی شود از بین برده و در عوض از حمل قاجاق از ایران عراق و بالعکس مبالغ متناسبی بجنب ایشان و همدستان مرتجع رفته است هر موقع ما مسردم بیچاره این سامانست خواست ایم اقدامی برای جلوگیری از خلاف کارهای این دست نمایم بوسائل شدید مشتمل شده مارا گاهی هوجی و گاهی ماچراچو در نظر اولیای دولت ممرسی بوده اند واضح است که بعضی از مامودین نادرست در این میان چه نقشی بازی کرده اند و چگونه قدرت قانونی خود را برای معاضدت دست دزدان بکار برده و میرتد ما بحکم حرف و وجدان و مردونگی که متصف با آنها هستیم ناچاریم اعلام بجاویزیم که مدت سه ماه است که در صف این دزدان و ستکران اجتهادی رخته حازت شده و بجهله آموان روشن فکرو تحصیل کرده و بی طوف و با وجدان که شهاده وظیفه قانونی خود را آن طوریکه باید انجام داده و داد گسری این سامان را از صورت بیک

### آگهی حصر وراثت

جانبی و فرمایشی بیرون آورده و آن را ملجا و پناه کند، مطلوبین و ادخواهان فرار داده است چون احوال ایشان پیشه بریشه این نادرستان و زالو مغان می زند در صد توطئه برضه ایشان برآمده و مانع اجرای عدالت میشود در این مورد اگر کوچکترین غفلتی از مرکز بر اثر تحریکات این دست ازغدا می غیر و بی مروت سر بزنده مسئولیت هر بیش آمد ناگزاری متوجه اولیا و مسئولین امور خواهد بود اگر این دست مرتجع خدای نکرده بوسه اغفال مفاسدات مرکزی موفق باجاری نمته قوم خود که بر هیله دستکاه دولتی و عدالت و وظیفه شناسی بشوند حال ما مردم و هوجا با امر معلوم خواهد بود که چیست حلق را نمیتوان بوسه جمل تلکرافات بیفامات مغضله پنهان کرد حقیقت مثل آفتاب در این مورد - روشن است و آفتاب طلب و قاجاق جی معلوم است که کی ما هستند و دلایل این مسرود گزارشات مامورین مربوطه است که در موقع لزوم اقدام خواهد شد منظور از این سنگراف احوال نظریات شخصی نبوده بلکه همان موجباتی که آقای نصرت وزیر دایبری سعادت ایران و راحتی مردم آن تلاش شبانه روزی و داشته است مسا را نیز وادار و به نندیم گزارش و داد خواهی نموده عیالانتنا داریم آقای نصرت وزیر ابر از علاقه بی شایه خود به حسن جریان امور و نظم عادلانه سلکت آقای اطفلی

آقای معده رقیبه باز اللمی در خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که معده باز اللمی مقیم داملی ستاج نوت نموده و وارث او منحصر بسوه پسر ( معده رشید - و معده عزیز ) و یک زوج ( حبیده ) می باشد بایستاد گواهی نامه محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه امور که متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب به پار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج مینماید اگر کسی و اشواهی با و مینتنامه سری و رسمی از متوفی دارد الاثر اولین آگهی نامه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر میشود .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی ش - ۲۲ آ ۲۲ - ۲

دو هرق و میتان هادر غرب کردستان دولت های مماندیری بوجود آورده اند که مصری ها میتان را نهاری میخوانند بالاخره در شمال خاندلی ها و در خاک کرد اهامم نایبری ها که از سو باری ها شناخته شده اند شروع به هدایت نموده جای نامهای گوتی و کوسی را گرفته بودند احتمال زیاد میرده که لفظ نایبری از د نهاری آمده باشد.

در این میان هوشکی ها قد علم کرده ولایات کردستان شمالی را تحت تسلط خویش گرفتند شیر هوش بادکار این طایفه بود ( نام نهری از نایبری ها گرفته شده است . )

در عهدی که قستی زولوها در سوریه زندگانی میکردند اکثر سیاه پوستان زبان های لولو و هوردی ( سو باری های غربی دجله و هوردی میخوانند ) مشابته لفظی و مستشرق هوز تیغ در میان اسامی هوردی بخش اسامی کاسی را پخته اند .

سر « کیتغ » مستشرق میتان ها را از کوسوما شناخته چن سن میگردد « تمبر میتانی نام خاوادگی حکمرانان بوده اصل قوم از سو باری ها بوده اند .

دلیل چن سن این است که خاک میتانی باز هم دو تحت عنوان سو باری مشهور بوده است ( تاریخ کردو کردستان )

نام یک پادشاه لولو ایشامی هوش بوده است که گرش نام دیگر کوسی هاست که بابلی ها اعلان نموده اند .

پس از آنکه خالدی - سو باری - میتان نایبری دوره حاکمیت خود را گذرانیده بودند گران معروف اعراف دارد که دوسین هب نشینی از ولایت آسوری تا اردبکی های طبر بوزان از دست قوم کوردوئی در رحمت بوده است

الفاظ و زبان می باشند کم و بیش و واج داشته بالعکس هزاره چهارم ، سوم و دوم قبل از میلاد طوایف زاگروس ز ایت نسبت محروم بوده اند لااگر زبان های گوتی - کوسی که نایبته زبان های طوایف دیگر هوجار و هم شک خود که اقوام آذربایک شناخته شده اند باشند زبان ابتدایی آنها ما قبول کنیم میبانه شده است .

دسته های جمعی که بکوه های زاگروس رسیده و در زبان تازگی های احوال کرده اند چون همه از یک نژاد بوده اند به آسانی امتزاج و در مدت کم یکسانی خود را ظاهر و سیاست قبلی را دنبال نموده اند .

( در خصوص انقلابات زبان بیفاله استاد رشید باسی که در مجله ایران امروزه شماره ۶ در تحت عنوان زندگی زبان نگارش یافته مراجعه شود . )

در عهد اگد - سو هور - کلده - آسور در کوه های زاگروس بدامنه هایش کثرت اسامی طوایف غیر سامی و ممتاز هانشان با یکدیگر وجود کثرت نژاد های مظلله و پراکنده را دلالت می نماید . طوایف مذکور را می شود از گوتی - کوسی ها جدا کرد

در عصری که منظمه مابین کوه های زاگروس و کوه آسانوس که در اطنه واقع است - از در تحت نلکه کوتی ما بود لوله ها هم در منطقه ذهاب و سنیایه اداره جدا گانه ای داشته اند نام جغرافیایی آن معال را سو باری می نامیده اند حدودش را شمال جیلام تا کوه آمانوس امتداد داشته به سمت طایفه یزرگی باین نام مرش اندام نموده با دلول هوجار خود زود خود هائی کرد و در سال ۱۱۱۰ - ۱۱۰۰ میلادی مرزش حله تیگران پایه اول پادشاه آسور شده است.

در اوایل قرن بیستم پیش از میلاد کوسی ها

نگارش. آقای احسان نوری

### تاریخ و ریشه نژاد کرد

( ۳ )

بعضی ها عقیده دارند که قستی از اقوام هند و اروپایی در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد از دشت های ترکیستان و صحاری شمال قفقاز و بحر خزر بر خاسته وارد ایران شده و پاسکن کوسی ها بزرگ گردیده و آن طایفه آمیزشی پخته اند ...

در صورتیکه منقذ آلداسی هر تو فلد میگوید : د پسر خزر که نام اروپائیش کاسیین است از نام طایفه ای گرفته شده که ماقبل تاریخ در مغرب و جنوب این دریا سکونت داشته نانش کوسی - کاسو - کسی بوده چون لفظ کاسودر جمع کاسپ - کاسب - کسپین میشد در باری خزر را هم نام کاسیین داده اند . پیغمبه مشارالیه نام قزوین هم از کاسیین آمده است « ( ایران باستان ) بنا بر این طایفه هند و اروپایی که از جای خود حرکت کرده بایران آمده اند محل اسیلتان شمال ایران بوده از اول نامشان کوسی یعنی با طایفه قسیم از ان هم نام و با دلیل اشتراک نام و ردیگی مکان هردو را میشود هم زبان و هم نژاد خواند یعنی اگر کوسی های دریای خزر آریایی باشند کوسی های زاگروس هم لابد آریایی بوده اند .

در خصوص زبان های ساکنین ایران غربی و بحر خزر هزاره چهارم و هزاره سوم و هزاره سوم با هزاره دوم پیش از میلاد باید بطاهر آورد که زبان ایرانی همه هفتمانی ها با زبان همه ساسانیان و زبان ایرانی همه ساسانیان با زبان ایرانی امروزه چه تفاوت فاحشی دارد در صورتیکه در این عهد اخیر کتب و نوشته ها که وسیله زنده نگاه داشتن



### کرد خارا به‌شاید

بچه از سن ۲  
نظر مهر و محبت آنها بکنند و با ملاحظاتی  
اساسی در این منطقه دست زد و در  
رفاهیت و آسایش مردمان این سامان  
بکوشد و از مبین پرستی آنها برداری  
کند باز مورد بی مهری قرار گرفته و  
تیره‌های تپتو و نامزرا از هر سو بیجا  
آنها روان است.

بعضی از نویسنده‌گان بی‌وجدان قلم  
بندست گرفته و بدون تأمل و تفکر از  
روی بی اطلاعی یا پیروی اغراض شخصی  
تپت‌هایی به آکراد میزنند که با روح  
ملشعوری و آزادخواهی و مبین‌پرستی  
آنها تطبیق نمی‌کند.

از اینرو خواستم به نویسنده‌گان و  
کسایک هنوز بوضیعت معیبت و این  
منطقه آشنایی ندارند و مقالات و تبلیغات  
بی اساسی و منتشر می‌کنند خاطر نشان  
کنم که در این‌موقع باریک که پس از

۶ سال جنگ سرلشکر دنیا در شرف  
تسکین است و کشورهای بزرگ و دولتهایی  
که از مآصیب این جنگ بی بهره بوده  
از اکنون برای بدست آوردن حقوق  
خود و پاداش جان‌پنازی در تکاب و فعالیت  
می‌باشند سزاوار نیست کشور ایران

که بزرگترین نهادکاری در راه پیروزی  
شده و بزرگترین مصائب را تحمل کرده  
از اکنون سرگرم وضیعت داخلی و هرج  
و مرج خانگی باشد و در نتیجه اندک  
نظمی حقوق حقا و دستموش نیستی شود

آنها ای که آتش ققان را دمست  
میزنند و به تبلیغات شوم و مقالات بی  
اساسی که بر جراحات گذشته آکراد  
می‌باشند و آنها ای که مردم را از دولت  
مهرکزی مایوس و نا امید می‌کنند و  
بالاخره آنها ای که دوستدار برادر کشی  
و هرج و مرج در کشور میباشند در پیشگاه  
حقیقت مقفرونند.

چون اکنون اتحاد زرگی برای کشور  
عالمی‌بیت ضرورت را دارد و این اتحاد  
در نتیجه صمیمیت و دوستی افراد وطنیات  
مردم بدست می‌آید.

من از نویسنده‌گان بی تجربه ای  
که بدون جهت با آکراد حمله و ریخته‌اند  
و بانکار آزادخواهی آنها مخالفتند  
گوشه‌گردی می‌نمایم که بیخود احساسات  
یک قوم دجباغ و مبین پرست و اجریمه  
فرا نسله و بی جهت آتش طلاق را  
دامن فرزند و آکراد را از خود مریختند  
و بیکدارانه خاطرات تلخ گذشته فراموش  
شود.

کرده‌ها هرگونه ناملاطیات و تحقیر  
و تلب هرگونه مصائب را می‌آورند و  
اگر کسی بحیثیت و ملیت و مبین‌پرستی  
آنها یا لطمه وارد آورد دیگر طاقنت  
تحصیل آکراد ندادند و با وسایل مسکنه  
از حیثیت و ملیت خود دفاع خواهند  
کرد.

نابندگی نامه کوهستان از مستند بنویسند  
رای توجه جناب آقای وزیر فرهنگ  
معارف و امتحان ۳۳۵ - مرکز استان  
کردستان با اولین کسانی بودند  
که تلگراف تبریک وزارت را آن‌جا ب  
تقدیم و نفاذی توجه مخصوص دادند  
و در پاسخ واصله سرانجام وعده فرمودند  
که در بهبود اوضاع فرهنگ اقدام معمول  
می‌فرمایند.

اکنون جای آن دارد انتظار مردم  
و وفای بپند را از آن حضرت امید وار  
بود هر چند نمی‌است که این آرزو  
برآورده نشده ولی ما نا امید نبوده‌ایم  
بحدن خوش بینی و تأمل که از خصایص  
آکرادهاست چشم براه توجه در باره  
فرهنگ خود هستیم.

برای اینکه جناب عالی را با وضع فرهنگ  
و اوقاف نگذارم چند جمله را در نهایت  
اختصار می‌نکندم دبیرستان ما ناس و  
دارای محل خوب و اصولی نمی‌باشد از  
شعبات ۴ کانه کلاس‌ها فقط سه‌شعبه طبیعی  
دارد و آنگاه سه ماه از سال را معلم  
نداشت.

کتاب بقدر کافی در اختیار معصل  
نیوده البته در داخل شهرستان اسوان  
کوچک دیگری نیز بودند که ناشی از  
عدم توجه یا علاقه بکار با هر چیز دیگری  
که اسم نگذاریم دویم رفته رفته در آن  
گت دبیرستان کامل و بسی می‌توان  
کردستان وجود دارد و مدیر آن شایسته

ان مقام بیست قطعا مطالب فوق مایع از  
آن نخواستیم بود که بگویم آقای حبیبی  
رئیس فرهنگ مردمی است حلقه منته  
و یک و قصد کار دارد اگر بتواند  
در آن تذکری که در مورد سه‌مهر بیان  
امتحانات داخلی سبب دوم بوی داده‌اند  
اصاحا امداداتی برای جلوگیری حمل  
آورد و از این لحاظ همه‌آزوی راضی  
هستند.

اخیرا آقای حبیبی آژوم بسوی  
بازرسی و نظارت امتحانات نهایی بستانج  
وارد و بزرگوار امتحان را مانند بانه  
دبیرستان کامل تهران که از هر حیث  
عب و بعضی اداری وقتی انداخته باشد  
اجرا نودند در نتیجه آمار عمل کرد  
فرا ذیل می‌باشد از کلاس ۶ شعبه طبیعی  
از ۷ نفر ۵ قبولی ۲ تجدید از کلاس  
۵ از ۲۲ معصل ۱۰ قبولی ۱۱ تجدید  
۱ فردوزه ششده می‌شود و در اثر  
شورا مطمین نفاذی اوقاف ۵ نفره از  
مرکز عمل آمده است

جناب آقای وزیر فرهنگ کردستان  
انتیاج معارف سیاسی مطمین و مدیران  
دانا و دلسوزی دارد که تمام پایانه  
تربوهای درسی و فرماینه کارکنان و با  
علاقه و پشت‌کار شروع خدمت نمایند -  
جسای دبستانها و دبیرستانها بسیار پند  
و ابداع هیچ‌املی در آنها بر اعانت نشده  
اخیرا آقای رئیس فرهنگ برای ایجاد  
ساختن دبستانها نفاذی تصویب موارض  
لورد چون برنامه‌هایی بجهت مصرف  
موارض در محل‌هاییکه موارض برداشت  
می‌نمایند منظم نبود.

فلا برای مطالعه بیشتری مومن مانده‌است  
ما بخواهیم وزارت معارف پیش‌از  
۸ سال ساختن نام دبیرستان را احاط  
و بلا استناده نگذارد و سال است در  
بست‌مورد با زردسان و رؤساء وقت

بوسیله دفتر روزنامه هریفه کوهستان

### به جیمز

آقای جیمز با عرض سیاسی و تند بر ناچیزانه از بحث علمی که در اعراق  
زمان و ادبیات کردی در نامه کوهستان شروع فرموده اند ننگارنده را بر آن  
داشت مختصری از لغات فرس قدیم را ضمیمه تطبیق با لغات متداول زبان کردی  
امروز (در تاریخی که خود ارادتند نیز مدتی سالک طسی این طریق بودم و  
متأسفانه مساجم ناس ماند) از کتابهای لغات: برهان تطامح - لغات الفقه -  
فرهنگ جهانگیری - منتخب اللغات - بهار عجم - کشف اللغات هفت قلم و غیره  
جمع آوری و در دسترس داشتن با اطمینان و استشهاده معظفین و مولفین کتب  
که ریشه لغات این مجموعه کتابها مربوط به زبانهای زنده - پازند - پیاوی -  
دری - اوستا و غیره میباشد اینک مختصری را برامستحضار و احیانا تکمیل اطلاعات  
چنانچالی مبتکارم امید است مورد توجه گردد و در صورت تمایل بیشتری ممکن  
است شخصا به کتب لغات نامبرده بالا رجوع فرمایند

فرس قدیم	دوستدار: ت - امینیان
آرمنو « آرام گرفته »	گردی امروز
اوراد « همدان »	اربدند « کسی که در نتیجه مسامحه غفکین و مات میشود »
اوراز « بالا - بلندی »	اولند « کوه معروف همدان »
اتون « دختران را خواندن و دوختن یاد دهه »	هوراز « زکوه سخت و بلند »
استو « موره پشت »	خاتون « که بانوسر پرست - معمله »
پاکار « باغبان - زارع »	استو « پشت تاقت سافند »
پیرار « پارسال »	پاکار « نو کرده - تحصیلدار - رنجبر »
پاوه « چراگاه »	پیرار « پارسال »
چلتا « پوست حیوانات »	پاوه « داسم دهی است در مریوان »
چرنگه « صدای پول »	چلد « لباس »
	چرنگه « صدای پول »

نتیجه امتحانات دانشکده حقوق  
از تعداد بازده نفر دانشجوی کردستانی  
سال اول و دوم دانشکده حقوق دولفر  
تجدیدی و نه نفر شرح ذیل در امتحانات  
توفیق حاصل نموده اند

- سال دوم حقوق
- ۱ - آقای عباسیون متعهد وزیر
  - ۲ - « تبور مشه وزیر
  - ۳ - « بچی مشه وزیر
  - ۴ - « بداف شعاع اردلان
- سال اول حقوق
- ۱ - آقای عزت الشعاع اردلان
  - ۲ - « مهدی شیخ الاسلامی
  - ۳ - « روف سانی
  - ۴ - « مهدی شیخ الاسلامی
  - ۵ - « مهدی ظفر اردلان

گفتگو میشود هنوز معارف محل بسیار  
وزارتخانه نتوانسته است سر موقع معلم  
برای آموزش و پرورش برادران ما به  
مستحق اعزام وارند.

چه کنیم و تا کی دو این جریان باقی  
بنایم و معصیان جگر گوشه بلد که باید  
مردان داناتی آینه و ذخیره ملی می‌باشند  
نالس و نا امید بچرم یک بهانه کوچک  
مهیر با یک بر اضیاطی با بیژدن دبیر  
چشم از تحصیل پوشیده استند دهم دادی  
خود را خفه و آوز از دنیا برونه

بهداشت معصیان بقدری بد است  
که در یک روزه یک همدای معصل سالم  
و خوش بنیه دیده شد از دبستان های  
دهات که نباید بخت کرد زیرا که وضع  
آنها بقدری خراب و درهم و بر هم  
است که صد رحمت به مکتب‌های سابق  
وضع اوقاف را که دیر چه عرض  
کنم آثار کار آن مغرور خوابه معلوم  
لیست درجه راهی می‌رود.

بطور خلاصه باید گفت اوضاع از  
هر جهت رفت بار است.

جناب آقای وزیر فرهنگ انتظار  
داریم که رئیس فرهنگ محل برنامه  
اصلاحاتی را که برای سال تحلیلی ۲۵  
مورد لزوم است تهیه و از نظر  
مردم و مقامات ذی نفوذ بگذراند و جناب  
عالی هم با داشتن فرصت دست تطبیق تا بستن  
دستور فرمایند دبیرستان را از اول سال  
تحصیلی آینه تکمیل و بقدر احتیاج و  
به نسبت افاطمختلفه شهر و قراعه مدارس  
ناس و معظفین شایسته و کارداران  
مجهز فرمایند.

از سقز  
آقای شریف صالحی ناظر هزینه زاندامری  
شکایت می‌نماید که آقای حسن شهابی  
کفیل دارائی مقروض اطاق خود از مشارایه  
مطالبه حق حساب نموده چون از پرداخت  
خود داری کرده کیف او را که معنوی  
۱۵۰۰۰ ریال وجه حقوق زاندامر ها  
بوده با بچی استاد برود و با چاقوم  
او را مجروح و پس از کتک کاری مفصل  
با حضور پیشخدمت و پاسبات از اطاق  
بیرون کرده است.



# کوهستان

## اتحادیه جوانان گروس

... جناب آقای دکتر اسمیل اردلان مدیر روزنامه کوهستان با استظهار بهرام بیلوله و حسن هفتید جناب آقای نخست وزیر جمعی بنام اتحادیه جوانان بیجار که اتحادیه ایست مستقل و بستگی به هیچ حزب دیگری ندارد بنظیر اصلاحات داخلی حوزه گروس تشکیل ، ضمن اینکه تاسیس آن را با استحضار عالی میرساند از لحاظ پیشرفت منظور اصلی نشی دارد در آیه مطالب و مستحیات این اتحادیه را بوسیله آن نامه شریف متمسک و زحمت ابلج آرا بیقامات مربوطه قبول فرمایند .

### از طرف اتحادیه جوانان گروس عبدالباقی رفیع

تکرار فوق که چند روز قبل بدقت روزنامه کوهستان ارسال شد حقیقت ما را مسرور نمود.

ما این اختیار مسرور می شویم ، هر وقت که اطلاع حاصل میکنیم که در یکی از نواحی کرد نشین همهای جوان و مردمانی میهن پرست قدم قدم کرده میخواهند با قناد و شرابی باورده نموده و زادگاه خود را بطرف ترقی و تعالی سوق دهند ما به نواحی کرد نشین بسیار علاقه مندیم و هیئت آرزو مندیم که این مناطق را در نهایت صفا و غرور و مردمان آرا خاد و سعادت مند به بینیم .

مدتهاست که نواحی کرد نشین جولانگاه مفرضین و مناقبیت بوده و به وسایل منقلبه کوشش نموده اند که سکنه این نواحی را از کاروان ترقی و تمدن دور ساخته و در سایه فراهم نمودن وسایل بدبختی مردم و چارپایند و غارت نمودن آنان برای خود اندوخته هائی از زر و سیم تأمین نمایند .

مردمان این نواحی در مقابل این فجایع بردباریهای عجیب نبوده و لسی هر قدر این بردباری بیشتر میشد ظلم و ستم و شقاوت آن غارتگران نیز رو با افزایش بود .

یکی از شهرستان های کرد نشین که متاسفانه تا بحال در سکوت محض بوده و نجاتی انجام شده در آن بگوش اولیای امور و سایر هموطنان نرسیده شهرستان بیجار است .

این شهرستان حاصلخیز بر برکت در آتش فقر و بیچارگی میسوزد شرابی راه آن ، از بیاطش را در چندین ماه از سال با سایر نقاط مطمح و شهر بیجار حاکم نشین آنرا درین بنی میگذارد که برای دزدان و غارتگران و آنهایی که عادت کرده اند خون مردم بیچاره را مکیده و فریادهای آزادی خواهان را خفه نمایند بهترین سامن شده است

ولی باتمام کوشش که برای جلوگیری از رسوخ فکر آزادبفرواشی و اصلاح طلبی شود نمیتوان تا ابد مردم را خفه کرد و از افکار بلند آنان جلوگیری نمود امروز همه ای دور هم جمع شده

**و اتحادیه جوانان بیجار را تشکیل داده اند** شك نیست که ایجاد چنین اتحادیه ای در ابتدا با مشکلاتی مواجه خواهد گردید مسکن است همه ای از اعضای آرا سرزش و تمهید کنند همه ای را منتصب بدستجات و اجزایی نمایند و راجع به فعالیت آنها گزارشهای عجیب و غریب بدهند و با تمام وسائل بکوشند که این همه را متفرق سازند تا باز هم همان بازار آشفته را برای سوء استفاده خود بدست آورده و در مقابل عملیات جنبانگاران خود حایلی مشاهده نمایند .

ولی این اصل مسلم است که اگر آقایانی که اتحادیه جوانان بیجار را تشکیل داده آرا اعلام کرده اند میخواهند واقعا موفق شوند باید بایک ایمن مثل نا پذیر بدون در نظر گرفتن اغراض شخصی مجدداه دست بکار شوند .

اگر دوست کار کردند و واقفایری مردم بود ، هیچ قدرتی قادر نخواهد بود آنان را از هم دور و متلاشی سازد ولی اگر این اتحادیه فقط اسم باشد و با آن عملی همراه باشد و با خدای نکرده این اسم سرپوش باشد وزیر آن سرپوش عملیات دیگری که برخلاف آرزو و میل مردم است صورت گیرد قطعا در فاصله چند روز با چنده هفته حقیقت آشکار شده نه تنها نفسی باید گرداننده های اتحادیه نشده بلکه مضاری هم برای مردم خواهد داشت .

بنا بر این ضمن اظهار مسرت از تشکیل این اتحادیه بدوسین آن برادرانه می گوئیم سعی کنید بشفه مردم و برای مردم کار کنید . اگر چنینت کردید قطعا موفق خواهید شد .

### عرض تسلیت

با قلبی مملو از تأثر شهادت ستوان یکم عبدالله عباس پور را بکلیه افراد آن فامیل محترم مخصوصا به آقای علی اکبر امیر زاده تسلیت عرض مینمایم ، امیدوارم خداوند آمرسوسم را بیعت خادو سیوری و سلامتی بسوم بازماندگان عطا فرماید ؛

معد کاظم وکیل کردستانی

ش . آ . ۲۲

آب و نان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال خارجه - ۲۵۰ ریال  
تکنروشی داخله ۴ ریال خارجه - ۵ ریال  
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۵۷

## خفته گان بیدار شوید

من امیدوارم این سکوت مرگبار که بوضع خطرناکی شهرستان ستهج رادر دریایی از بدبختی و بیچارگی غوطه ور نموده چه وقت درهم خواهد شکست ؛ کی لیم آزادی و آسایش بشامه مردمان رنج دیده آن خواهد رسید ؛ کی این زنجیر های اسارت و بردگی و این بندهای تباخ و جاپوزی و چین پاره خواهد شد تا سکنه آن آرا ، از لذت زندگانی بر خوردار شوند ؛

در ایامی که دنیای متبدن با گام های سریع بسوی ترقی و تعالی پیش می رود مردمان هر کشور و هر ناحیه برای بهبود اوضاع خود با شتابی عجیب می کوشند که بردیگری سبقت جویند در شهرستان زوخیز ستهج خواب مردمان صیق ترو مشولین امور و پیشوایان لا قید تر و خوسرد تر میگردند

گوئیم در زندگانی مردمان این شهرستان کوچکترین نفسی نیست شهر ویران ستهج با مرکز بدبختی و پریشان روزگاری یک ولایت وسیع و تروتزا امروز در فقر و بیچارگی طاقت فرسانی غوطه ور و امواج جهل و نادانی فقر و بیماری سکنه آنرا در هم شکسته

تلاطم ظلم اجساد نیه جان را از این منطقه بشاوح پرتاب نموده و نهنک های رشوه خواری و طمع آخرین رفقه ایمان این اقیانوس مذلت را گرفته است .

فرد این شهرستان کوچکترین جنبشی برای رهائی از چنگال این همه بدبختی دیده نمی شود همه ای که باید رهبر و راهنما شده همزادان خود را نجات دهند مانند اینک سکنه کرده ماه و با مرغ هستند با کسر مزه بین ، مردمان آن و نحو لانش رابطه و آشنائی ندارند آرام و ساکت نشسته اطمینان سرسام آوری دارند که این سیل تحولات بدین منطقه نفوذی نخواهد نمود .

ای کاش این روز زودتر می رسید از سیاه جال ستهج - آواره

## سپاسگذاری از انتخاب آقای آصف

حضور حضرت اشرف آقای قوام السلطنه نصرت وزیر معظم ایران رو نوشت نامه کوهستان .

از بدو زمانماری حضرت اشرف هر روز بر امیدواری ملت ایران افزوده و یک دروبیه نویسی از اصلاحات بر روی ملت گشاده میشود اهالی ستهج ضمن عرض تبریک موقتیت ذات هالی رادو حمل مشکلات مسلکتی غواستاروا از انتخاب جناب آقای فرج الله آصف به سمت سرپرستی این سامان که یکی از رجال مجرب و پاکدامن و غیر خواه ملت و دولت است تشکر و سپاسگذاری عرض و استدها داریم در ادامه خدمات ذاتی ایشان به ست رسمی اهالی اربت منطقه را بیش از پیش بهرامسم دولت امیدوار و شکر گذار فرمایند .

تکرار فوق باضمای بیش از یکصد و پنجاه نفر از بازرگانان و پیشه وران ستهج میباشد

## چاپخانه شرکت مطبوعات